



{حیات وحش}  
نگین سپید  
تالاب‌های ایران

نگاهی جانورشناسانه به زندگی قوها؛ پرنده‌هایی که  
ایران را برای زمستان‌گذرانی انتخاب می‌کنند

عباس عاشوری / عکس: محمد رضایی

# نگین ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟ایران

نگاهی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟می‌کنند

یکسورساز در حال آواز زدن در یک تالاب در استان آذربایجان غربی، ایران

«شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد / فرینده‌زاد و فریبا بمیرد / شب مرگ تنها نشیند به موجی / رود گوشه‌ای دور و تنها بمیرد / در آن گوشه چندان غزل خواند آن شب / که خود در میان غزل‌ها بمیرد». این مرگ اسطوره‌ای که الهام گرفته از اعتقاد یونانیان است را «مهدی حمیدی شیرازی» حدود ۴۰ سال پیش در باره قو سرود چرا که این پرنده را فرینده دیده بود. پرنده‌ای سفید و زیبا که ۴۰۰ سال پیش پَر‌هایش برای «شیخ‌بهائی» به برف مانند شده بود: «شک نیست که با عینک ارباب نظر / برفش پَرِ قو باشد و خارش، سنجاب». داستان‌های اسطوره‌ای و نمادین درباره قو در جهان کم نیست. قوی سییدی که آ پولون، الهه موسیقی روی آن سوار است، تنها یکی از تمثیل‌هاست که به خاطر وقار و دلربایی بی‌نظیر این پرنده به‌وجود آمده. قو در تمثیلات رنسانس هم نماد موسیقی، یکی از هفت هنر آزاد آنها بوده است. این پرنده نماد شهادت عیسویان هم بود و عده‌ای دیگر آن را دارای نیروهای سحرانگیزی مانند پیشگویی و سحرگی می‌دانستند. همه این داستان‌ها و افسانه‌ها برای پرنده‌ای است که امروزه در تقسیم‌بندی‌های علمی، با هشت گونه، از خانواده مرغابیان‌اش می‌دانند. پرنده زیبایی که سه گونه از آنها با نام‌های گُنگ، فریادکش و کوچک در پاییز و زمستان به ایران می‌آیند. در ست مثل امسال که نگین تالاب‌های بسیاری از نقاط شمال کشور شدند تازمستان تمام شود.ماجرای زندگی قو و چگونگی اقامتش در ایران متنی است که در پی می‌خوانید.

یکسورساز در حال آواز زدن در یک تالاب در استان آذربایجان غربی، ایران

❖ ‌بادهای خنک پاییزی، تنها برای درختان قاصدرسیدن موسم برگ‌ریزان و خواب نیست، با آمدنشان بسیاری از تالاب‌ها و آبگیرهای ایران هم می‌دانند که باید منتظر مهمان‌های رنگارنگ و گوناگون‌شان از مناطق شمالی باشند. هر سال ده‌ه‌انوع پرنده مهاجر تالاب‌های تالاب‌های شمال تا جنوب و از غرب تا شرق ایران را برای زمستان گذرانی انتخاب می‌کنند. از جمله سه‌گونه‌از قو، با نام‌های گُنگ، فریادکش و کوچک که همراه بسیاری از اردک‌ها در خانواده مرغابیان (Anatidae)قرار گرفته‌اند.خانواده‌ای که از خوتکای هندی ۳۳سانتی‌متری تا قوی فریادکش و گنگ یک و نیم‌متری را در خود جای داده است.امادر میان سه‌گونه‌ای که در ایران هستند، قوی گنگ شاید کمی آشناتر باشد و غالباً وقتی نام قو برده می‌شود منظور همین پرنده است.

#### عروس روی آب

از دور که نگاه کنی، انگار عروسی سپیدپوش با چشم‌های سرمه‌کشیده و گردنی که به ناز خمیده، در آبُ سر می‌خورد و عشوه می‌پراکند. این همان قوی گنگ (*Cygnus olor*) است که بارنگ سپیدبدنش، منقاری نارنجی که روی آن برجستگی‌های سیاه‌رنگی دارد و گردنی که هنگام شنا به حالت (S)نگه می‌دارد، آن را از قوهای دیگر متمایز می‌کند. شاهپرهای داخلی بال که هنگام شنا، کمی بیرون می‌زند هم ویژگی دیگرشان است. این قوها را محلی‌ها به‌خاطر دسته‌هایی که در آن هم قوی تیره هست، هم سفید، گاهی به اشتباه قوی سفید و سیاه هم می‌خوانند. غافل از اینکه تیره‌ترها، قوهای جوان نابالغ، یعنی زیر دو سال هستند که هر چه سنشان بالاتر برود، روشن‌تر می‌شوند. قوی سیاه (Black Sawn) اما خانهاش استرالیاست و در ظاهر متفاوت. قوی گنگ، که با ۱۵کیلوگرم وزنش سنگین‌ترین پرنده آبزی ایران است، مجبور است برای به پرواز درآوردن جثه بزرگش، چندمتری را با پاهای پردهارش، روی آب بدود و سرعت بگیرد؛ چیزی شبیه صعود هواپیما. جثه‌ای که گاهی از نوک منقار تا انتهای دم به ۱۵۳سانتی‌متر و فاصله‌دوبال بازش به دو متر و چهل سانتی‌متر می‌رسد. این اندازه نر است و ماده کمی کوچک‌تر. اما به پرواز که درآیند، فرقی بین نر و ماده‌اش نیست؛ آرامش و وقار را چاشنی پروازش می‌کنند. آرام‌بال می‌زنند و گردن دراز خود را در امتداد بدن قرار می‌دهند تا سرعشتشان حتی به ۶۴کیلومتر بر ساعت هم برسد.

خانه قوی گنگ آسیا و اروپاست، اما امروز در شمال آمریکا، جنوب آفریقا، استرالیا و نیوزلند هم آنها را در تالاب‌ها، پارک‌ها و استخرهای درون شهرشان دیده می‌شوند. در ایران در بیش از ۴۲تالاب در ۱۵ استان دسته‌های مهاجرشان دیده شده‌اند. دسته‌هایی زیبا، منظم و باشکوه که تعداد اعضایشان به‌ندرت به تعداد قوهای فریادکش می‌رسد. آنها جز هنگام جوجه‌آوری، همواره در کنار هم‌اند. تالاب انزلی، تالاب امیر کلاویه لاهیجان و تالاب بوجاق کیشهر در استان گیلان، پناهگاه حیات‌وحش میانکاله در مازندران و تالاب گمیشان در استان گلستان پذیرای بزرگ‌ترین جمعیت قوهای گنگ مهاجر در ایران هستند. پرنده‌ای که جمعیت مهاجرش به ایران گاهی کم از ۲۰۰ و گاهی افزون از ۲۰۰۰قطعه هم می‌شود. گرچه از قوی گنگ، صدایی شبیه «هیس» هنگام ناراحتی و استرس شنیده می‌شود. اما آن قدر کم است که گنگ‌شان نامیده‌اند. در مقابل قوی ساکت و آرام گنگ‌اما، قویی است که از زیادی سر و صدایش به فریادکش معروف شده است.

##### گنج بری <

زائران امامزاده در زیر سقفی از آینه و نقش و نور و در کنار گوی ماسوره های زرین، با خداایشان راز و نیاز می‌کنند. هنرمندان

##### گنج بری <

زائران امامزاده در زیر سقفی از آینه و نقش و نور و در کنار گوی ماسوره های زرین، با خداایشان راز و نیاز می‌کنند. هنرمندان

#### باران قو

تکه‌ای از آسمان با خال‌های سپید پرشمار تزئین می‌شود، وقتی قوهای فریادکش (*Cygnus cygnus*) قصد سفر می‌کنند. دیدن آسمان مثال‌زدنی می‌شود وقتی بیش از ۲۰۰قطعه قوی فریادکش کنار هم پرواز می‌کنند؛ همان‌هایی که اغلب پیش از دیده‌شدن، صدای آهنگین و کشیده «ها\_ها\_ها» یا «کو\_کو\_کو»شان شنیده می‌شود. فریادکش‌ها در بعضی سال‌ها تعدادشان آنقدر زیادی‌شود که هنگام فرود و استراحت‌شان که می‌شود، اهالی می‌گویند انگار از آسمان قو می‌بارد. وقتی در ایران دسته‌جات بزرگ قو در حال پرواز، تغذیه یا استراحت دیده می‌شوند، به احتمال بسیار زیاد قوهای فریادکش‌اند. پرنده‌هایی که در قد و قواره مثل گُنگ‌ها هستند و در گردن صاف هنگام شنا و رنگ زرد و سیاه منقار، متمایز از آنها. نابالغ‌هایشان هم کمی روشن‌تر از نابالغ گنگ‌ها هستند، اما از روی منقار سیاه و صورتی‌شان قابل تمیزند. تالاب‌ها و دریاچه‌های کم‌عمق، شالیزارها و به‌ندرت سواحل، زیستگاه زمستانه قوهای فریادکش است. جوجه‌آوری‌شان را که در شمال اروپا و آسیا کردند، در یک سفر چندهزار کیلومتری را برای گذران زمستان و فرار از یخبندان‌های آنجا، راهی جنوب و غرب اروپا، دریای سیاه، مرکز چین، ژاپن و کشورهای حاشیه دریای خزر می‌شوند. بیش از ۵۱تالاب در ۱۵ استان ایران، هر سال میزبان عده‌ای از آنهاست و بیشترین جمعیت مهاجرشان تاکنون در تالاب انزلی، تالاب امیر کلاویه و تالاب بوجاق و شالیزارهای اطراف آنها در استان گیلان دیده شده است.

قوی کوچک (*Cygnus columbianus*) هم سومین گونه قوی مهاجر ایران است و آن‌طور که نامش می‌گوید کوچک‌تر از بقیه است؛ شبیه قوی فریادکش ولی ۳۰سانتی‌متر کوچک‌تر و گردن و منقاری کوتاه‌تر. از روی منقار سیاه با قاعده زرد رنگشان هم قابل تشخیص‌اند. پروازشان بیشتر به غاز می‌ماند و بال‌زدن‌هایشان هم سریع‌تر است. از سه زیر گونه قوی کوچک دنیا، زیر گونه (Bewickii) زمستان‌ها را در شمال غرب اروپا، ترکیه و کشورهای حاشیه دریای خزر مثل ایران می‌گذرانند. گرچه قوی کوچک در ایران نسبت به دو گونه دیگر کمتر است و فقط بعضی از سال‌ها دیده می‌شود، اما تاکنون در ۱۳ تالاب از ۵ استان آذربایجان غربی، گیلان، مازندران، گلستان و خوزستان گزارش شده و بیشترین جمعیتش در تالاب‌های کانی‌برازان و سد نوروزلودر استان آذربایجان غربی با ۳۰ تا ۵۰قطعه بوده است.

## اما آن قدر

## کم است که

## گنگ‌شان

## نامیده‌اند. در

### مقابل قوی

### ساکت و آرام

### گنگ‌اما،

### قویکت

<sup>[1]</sup> [همشهری‌ماه، ویژه‌نامه‌ایران‌شناسی، سرزمین‌من، اسفند ۱۳۸۹]





### در کنار همسر

صدای چک‌چک آب شدن یخ‌های شمال اروپا و آسیا که درمی‌آید، یعنی وقت بازگشت مهمان‌های چندماهه تالاب‌های ایران است. بهار آنجا برایشان امن‌تر و پرغذاتر است و مناسب برای جوجه‌آوری. هرچند ایران قو جای مناسبی نیست تا جوجه بیاورد، اما در استخرهای دست‌ساز و بعضی از باغ‌وحش‌ها که شرایط مناسب برای قوهای گنگ و فریادکش آماده شده، تخم‌گذاری و جوجه‌آوری کرده‌اند. قو، تا آخر عمر به همان همسری که اول برگزیده، وفادار است و هر سال فروردین و اردیبهشت‌ماه تخم‌گذاری می‌کنند؛ گنگ‌ها ۵ تا ۷ و گاهی تا ۱۰ و فریادکش‌ها ۴ تا ۶ تخم سفیدرنگ و متفاوت. پنج هفته‌ای که از خوابیدن روی تخم‌ها می‌گذرد، جوجه‌ها بیرون می‌آیند و به محض خشک شدن پر و بال‌شان هم دینال والدین از لانه بیرون می‌روند. در اصطلاح پرندشناسی به این جوجه‌ها «زودرس» یا «Precocial» می‌گویند. جوجه‌هایی که در ابتدای تولد قهوه‌ای تیره‌اند و ۲ سال باید از عمرشان بگذرد تا شبیه والدینشان شوند. والدین، جوجه‌ها را از همان روزهای اول همراه خود به تالاب می‌برند تا زودتر رشد کنند و تا چند ماه بعد، آماده سفری چندهزار کیلومتری، جوجه‌ها، مدام زیر نظر پدر و مادرند. به‌خصوص قوی پدر، با گردن درازش همه‌جا را می‌پاید و از حریم خانواده‌اش نگهبانی می‌کند. این پرنده پیش از این همه در تمام طول دوره تفریح (طی دوره جنینی در تخم)، کنار قوی مادر بوده تا هم بیرون آمدن جوجه‌هایش را ببیند و هم قوت‌قلب همسرش باشد و مراقب لانه. گاهی هم برای او غذایی از ته تالاب بیرون می‌کشد. قو، گردن درازش را به‌راحتی زیر آب می‌کند و گیاهان آبزی را با آرواره محکم‌ش بیرون می‌کشد. در انزلی دیده‌شده که قوها دانه گل گیاه آبزی لاله مردابی را هم می‌خورند. هرچند از خوردن حشرات ریز آبزی و علفزاری هم در فصل بهار و تابستان بدشان نمی‌آید، غذای مقوی و سرشار از پروتئین که برای رشد سریع جوجه‌هایشان هم می‌تواند مفید باشد. گردن قو از اردک و غاز درازتر است، برای همین امکان دسترسی بیشتری به غذا در عمق بیشتر تالاب دارند. مساله‌ای که در نگاه اول شاید ساده به‌نظر برسد، اما تغذیه این گونه از گیاهان آبزی بستر باعث می‌شود تا رسوبات کف کمتر شود و عمق آب هم کاهش پیدا نکند. این کار قوها و دیگر پرندگان آبزی، برای حفظ و پایداری اکوسیستم‌های تالابی اهمیت و نقش اکولوژیک اساسی دارد.

### گنج بری

زائران امامزاده در زیر سقفی از آینه و نقش و نور و در کنار گوی و ماسوره‌های زرین، با خدایشان راز و نیاز می‌کنند. هنرمندان

### گنج بری

زائران امامزاده در زیر سقفی از آینه و نقش و نور و در کنار گوی و ماسوره‌های زرین، با خدایشان راز و نیاز می‌کنند. هنرمندان

## اما آن قدر گنگ‌شان نامیده‌اند. در مقابل قوی ساکت و آرام، گنگ اما، قویبکت

### راه‌بندان قو

قوها انگار با سرما عهده‌ی دارند. هر چه سرما بیشتر شود، مهاجرت هم بیشتر است. آن قدر که در سال‌های گرم‌تر گاهی روی هم به ۲۰۰ قطعه هم نمی‌رسند و در سال‌های بسیار سرد شمال روسیه و اروپا، تا هشت‌هزار قطعه قو هم بار سفر به ایران بسته‌اند. آن قدر زیاد که میزبان، گاهی توانایی پذیرایی از مهمانان نجیب و زیبایی مهاجر خود را ندارد و این قوها که اغلب از نوع فریادکش‌اند، روزها برای سیر شدن و برآورده کردن نیازهای غذایی خود به شالیزارها، آبگیرها و آب‌بندان‌های اطراف تالاب‌ها می‌روند و شب که می‌شود برمی‌گردند به تالاب تا امن‌تر بخوابند. بازگوشی و پراکنندگی قوها همیشه هم با غذا و تفریح همراه نیست و گاهی برایشان به گرانی گلوله‌های تفنگ بعضی از شکارچیان تمام می‌شود. سال‌های سرد، همه‌جای گیلان پر می‌شود از قو؛ شالیزار، تالاب، آبگیر. آب‌بندان و تراکم جمعیت قوها گاهی آن قدر بخشی از منطقه‌ای را سفید می‌کنند که رهگذران در دل زمستان، در نگاه اول ذهنشان بیشتر به سوی برف می‌رود تا انبوه قوها؛ چسبیده به هم، اوضاع برای قوها، در خانه تابستانه و زمستانه‌شان کمی با هم فرق می‌کند. میزبان، تابستان کمی مهربان‌تر است. چون هم جمعیت انسانی کمتر است و هم آنهایی که هستند انگار همیشه تفنگشان آماده شلیک است و تورهایشان آماده اسیر کردن. گرچه اغلب آنهایی که تجربه یک‌بار شکار قو دارند، می‌گویند دیگر قو شکار نمی‌کنیم. می‌گویند اشک‌های قو را دیده‌اند و می‌ترسند آهش گرفتارشان کند. یا اعتقاد دارند اگر قو را شکار کنی جفتش از ناراحتی دق می‌کند و می‌میرد. این باور شکارچیان هر چند از نظر علمی درست نیست و قوها پس از مرگ جفتشان همسر دیگری اختیار می‌کنند ولی این اعتقاد و باور درست است که قوها سنبل وفاداری‌اند و تا پایان عمر با یکدیگر می‌مانند. البته با وجود همین باورها هم، هنوز که هنوز است، قوها در ایران شکار می‌شوند. نزدیک شدن قوها به خانه‌روستاییان که بیشتر به‌خاطر گرسنگی یا قرارگیری روستاها در مسیر پروازشان است و پرواز آرام و گروهی نزدیک به سطح زمین، بالای جان قوها در ایران است. شکارچی‌ها حتی گاهی از درون حیاط خانه‌شان با شلیک گلوله‌ای، پرنده را در هوا شکار می‌کنند، آن هم در حالی که قوها در ایران جزو گونه‌های حمایت‌شده هستند و شکارشان ممنوع است. پرندگان زیبایی که امروز نیاز به حمایت بیشتر دارند تا روزی نگرانی درنای سبیری و دیگر پرندگان مهاجر در حال انقراض دامان آنها را هم نگیرد. شاید روزی فرارسد که آنها در طبیعت ایران از دستان ما هم غذا بگیرند ■